

شبنامه، رسانه‌ جانشین عصر مشروطیت

شهلا عیوض زاده

عنوانهاست: کتاب روزنامه و کتاب شبنامه. البته نباید این نکته را نیز از یاد برد که پس از انتشار نشریه مخفی آقاقلی با عنوان شبنامه، تا حدودی عنوانهای دیگر برای نشریه‌های زیرزمینی منسوخ شد و شبنامه به جای آن مصطلح گردید. (۴) صدر هاشمی در این باره گفته است: شبنامه، نشریه‌ای است هزلی که در تبریز به مدیریت "علی قلی صفراف" در حدود ۱۳۱۰ قمری منتشر شده است. این نشریه به زبان ترکی و با ژلاتین طبع گردیده، برآون - که یک شماره از این شبنامه را در دست داشته - خصوصیات آن را بدین قسم ضبط کرده است: این شماره، متعلق به نوامبر ۱۹۰۶ میلادی و قطع آن ۱۴x۸ و سه چهارم اینچ، مشتمل بر سیزده سطر به زبان ترکی و در عنوان، تاریخ، نویسنده و محل انتشار قید نگردیده است. (۵)

محقق معاصر، گونل کهن معتقد است:

از نخستین نوشته‌هایی که در اوج سانسور مطبوعات دولتی و بازرسی چاپخانه‌ها، نوید تحول دیگر در وسایل ارتباط جمعی آزاد و ضد سانسور را به ارمغان آورد، اعلانی بود که شبانه بر درهای مساجد، کاروانسراها، معابر عمومی و سفارتخانه‌ها چسبانده بود، بدین مضمون که "این کوجه‌های تنگ، به عموم مردم مسلمانان که حتی سگها و گوسفندها بر آنها حق دارند، چگونه به خارجه بخشیده‌اند که فرد اطفال مسلمان زیر عراده کالسکه اجانب خرد شوند؟ از آن بدتر، تباکو مال ایرانی، خریدار، استعمال کننده ایرانی، به چه دلیل، فروش و خرید، منحصر به اجانب شده؟ ... پیش از همه تبریز به کار برخاست، و مردم آگاهی‌های کمیابی را - که به دیوارها چسبانده بود - پاره کردند و به جای آن نوشته‌های شورآزمیزی چسباندند..." (۶)

فتح‌الدین فتاحی، درباره شبنامه و سبب نگارش آن نوشته است که:

مرحوم پدرم میرزا عبدالله خان مبین الملک فتاحی از پدرش میرزا فتاح خان شنیده، نقل می‌کرد: شبنامه در جواب یک نفر "فریزر" نام انگلیسی نوشته شده و اجمال آن تفصیل هم، چنان بوده که فریزر به ایران آمده و در مراجعت به انگلستان کتابی منتشر کرده و در طی آن از هیچگونه ناسزا و توهین و بدگویی نسبت به ایران مخصوصاً نسوان ایران فروگذار ننموده؛ حین ورود به لندن، میرزا فتاح خان آن کتاب را می‌بیند، بی‌اندازه عصبانی می‌شود و غیرت ایرانی و وطن پرستی اش به جوش می‌آید و شبنامه را

نهضت مشروطه ایران، باعث ظهور تحولات عمده‌ای در جامعه ایرانی شد و پدیده‌ها از بستر این تحولات سر بر آوردند که نیاز این حرکت پر شور و جنبش اجتماعی به شمار می‌آمد. انتشار روزنامه‌های گوناگون و تشکیل انجمن‌های مختلف - که به مثابه حزب عمل می‌کردند - از آن جمله‌اند. انتشار شبنامه‌ها و اعلامیه‌ها نیز از آثار این تحول است که دارای صراحتی خاص در گفتار خود بودند و مطالبی در آنها عنوان می‌شد که منطبق با حوادث روز و اغلب بدون ذکر نام نویسنده بود و این اعلامیه‌ها، گاهی چون ارگان انجمنها عمل می‌کردند. شبنامه‌ها و اعلامیه‌ها از آن جهت که محرک سیاسی قدرتمندی برای جامعه محسوب می‌شدند، قابل بررسی می‌باشند. (۱)

مشروطه خواهان، از انواع و سایل ارتباط جمعی آن عهد در بسیج مردم و جو سازی استفاده می‌کردند؛ از طریق سخنرانی، وعظ در مساجد، شعر و شعار، انتشار روزنامه، شبنامه و اعلامیه و مانند اینها مردم را تعلیم می‌دادند و به مخالفان هشدار می‌دادند و آنها را تهدید می‌کردند. هدف این تبلیغات و تعلیمات - که دو روی یک سکه بود - تحریک احساسات ملی و مذهبی بود. انقلاب مشروطه را می‌توان انقلاب بورژوازی تفسیر کرد که طی آن تضاد بین سنت و نوگرایی ظاهر شد. تضاد بین طبقات محافظه کار و سنتی در مقابل بورژوازی مدرن و روشفکران و تحصیل کردگان متجدد و در پشت اختلافات ظاهری، دو گروه تدریج و انقلابی فعالیت داشتند. (۲) ولی چون نسبتاً مخفی بودند، جلب توجه نمی‌کردند و یا به عمد نادیده گرفته شده‌اند. (۳)

شبنامه

برای شبنامه دکتر محمد معین این تعریف را دارد: اعلامیه‌ای که در شب منتشر کنند. شبنامه در ابتدا نامه‌های مختلفی از جمله اعلان ملتی و مقاله ملی داشته است. روزنامه مخفی، نشریه پنهانی، نشریه زیرزمینی از جمله نامه‌های دیگری است که بعدها بر این گونه انتشارات نهاده‌اند. میرزا فتاح خان گرمرویی، نویسنده یکی از قدیمی ترین منابع مکتوب با عنوان شبنامه است. وی این رساله را در پاسخ به کتابی انگلیسی نوشته است که در آن کتاب، ایران و ایرانی بویژه زنان ایرانی به ناسزا گرفته شده‌اند. او حدود نیم قرن پیش از "آقاقلی" (علیقلی صفراف) ناشر "شبنامه"، این واژه را به کار برده است. بدین ترتیب، آنان که ساخت این واژه را در ایران به "آقاقلی" نسبت می‌دهند، نظرشان مردود است. میرزا فتاح خان گرمرویی صاحب رسالات عدیده‌ای است و مهم ترین آثار او این

می نویسد. (۷)

در عهد ناصری و پس از آن به هر گونه اعلان پنهانی، نشریه مخفی و یا به قول دیگر زیرزمینی، "شبنامه" می گفتند. این شبنامه ها گاه آگاهی بخش و گاه غرض ورزانه بودند. شب نامه نگاران، افزون بر آنکه مکاتبات خود را شبانه در خانه ها می انداختند، از دیوارها و معابد عمومی و نیز پست بهره می بردند. این مسئله مختص تهران نبود. مثلاً در گزارش خفیه نویسان انگلیس "از ۳ شعبان تا رمضان ۱۲۹۴ ق." می خوانیم که در شیراز

"... در مسجد نو کاغذی چسبانیده بودند که مضمونش این بوده، فحش زیاد به صاحب دیوان و امام جمعه بیگلر بیگی و قوام الملک که اگر درست حکومت کردید که بسیار خوب والا ما صد نفر متفق بلوایی کنیم که از شیراز فرار کنید. هنوز معلوم نشده که کاغذ را که نوشته و آن صد نفر متفق کیستند." (۸)

اولین شبنامه های دوره مظفری توسط انجمنهای مخفی چاپ شد و مسئله استقرار را به نقد کشیدند و به برشمردن فواید قانون و خیانتهای دولتمردان پرداختند. مجمع ملی، یکی از انجمنهای مخفی بود که در سال ۱۳۲۲ ق. توسط میرزا نصرالله خان ملک المتکلمین، سید جمال الدین واعظ، میرزا سلیمان خان میکده و ... تشکیل شد و "تهیه دستگاه زلاتین و انتشار شبنامه های مهیج را در میان مردم از اهداف خود قرار داد." شبنامه ها و اعلامیه ها مخاطبان خاص خود را داشتند و هر گروه با هدف خاص سیاسی دست به انتشار آنها می زد و گاه به گاه نیز مطالب آنها توأم با غرض ورزیهای تهیه می شد. نویسندگان برخی از این شبنامه ها افرادی تحصیل کرده بودند که با استفاده از انشای روان و فصاحت در الفاظ، شبنامه هایی برای نشر افکار خود چاپ می کردند. از سویی دیگر شبنامه هایی در دست است که اغلاط فاحش املائی آنها، بیانگر طبقه اجتماعی نویسنده و نشان دهنده آنکه این مسئله به صورت پدیده ای فراگیر درآمده بود و بهترین وسیله برای اعتراض و افشاگری محسوب می شده است و نیز حاکی از تأثیر زیاد آن بر افکار عمومی می باشد. در این شبنامه ها، گاه از عرق مذهبی و اسلامی مردم امداد گرفته می شد و شروع آنها با آیه های قرآن بوده و در آنها بر تکلیف اسلامی و شرعی تأکید می گردیده و برخی از آنها با تکیه بر حس وطن پرستی و ملی گرایانه، مردم را به اعتراض و قیام فرامی خواندند. اوج شبنامه نویسی، مربوط به دوره پس از مهاجرت صغراست که حکومت، وعده تشکیل مجلس داده بود ولی این امر را به تعویق می افکند و شبنامه ها و اعلامیه ها، کوشش در بیدار کردن مردم و پافشاری برای گشایش مجلس داشتند. (۹)

به موازات گسترش فعالیت روزنامه نگاران ایرانی در خارج از کشور، نگارش شبنامه ها و سیله ای برای بیان نظرها شد. مهدی ملکزاده پیرامون تأثیر شبنامه در دوران قاجار، در کتاب تاریخ انقلاب مشروطیت نوشته است:

"همان طوری که در کشورهای آزاد، روزنامه ها، هادی افکار عمومی هستند و مردم را راهبری می کنند، در آن زمان نیز با وجود سختگیری و مراقبت دولت، همه شب یک یا چندین شبنامه منتشر می شد. مردم برای به دست آوردن شبنامه به اصطلاح سرو دست می شکستند؛ چنانچه یک نمره شبنامه گاهی از صد دست می گذشت. تجار و کسبه چون شبنامه به دست می آوردند در یکی از حجرات دور دست یا کاروانسراها گرد هم جمع می شدند و با ولع بسیار آن را می خواندند و در اطراف مندرجات آن صحبت می کردند. شبنامه های آن زمان را، بزرگ ترین عامل روشن کردن افکار مردم به اصول و فلسفه نوین باید دانست و بهترین محرک

انقلابی که به زودی پیش خواهد آمد، باید شمرد." (۱۰)

مخبر السلطنه هدایت، پیرامون مطبوعات ایران در سال ۱۳۶۲ ق. در بخشی از خاطرات دوران زندگی خود در کتابی به نام گزارش ایران نوشته است:

"عدد روزنامه از حد بیرون رفت؛ اسامی مهیب به خود می گرفتند؛ روزنامه حشرات الارض هم داشتیم؛ اکثر به هر کس استطاعتی داشت بدمی گفتند یا حق سکوتی می گرفتند. به روزنامه قناعت نشد، شبنامه از در و دیوار فرو ریخت. سرلوح شبنامه ها از خنجر، طپانچه، کارد، نیزه بود. من در آن وقت گراور می ساختم. یکی از آشنایان شکل ازدهای هفت سردر آورده بود که برای سرلوح روزنامه بسازم."

گوئل کهن در کتاب تاریخ سانسور مطبوعات ایران درباره شبنامه های این دوره نیز نوشته است:

"گمی پس از کودتای باغشاه، جهمی که در پایتخت مانده بودند، به سر و سامانی تازه نشستند و بار دیگر همچون دوران استبداد پیش از صدور فرمان مشروطه، انجمنها و کانونهای مخفی را بر پا داشتند آنان با توجه به عدم دسترسی به امکانات چاپ و نشر آزاد، به عنوان پشتوانه مبارزات خود انتشار شبنامه را دور از سانسور حکومت کودتا مهم ترین عامل پیشبرد اهداف ملی و میهنی خود داشتند. به این ترتیب راه و مجرای ارتباط مردمی - که با سد سانسور بسته شده بود - از این طریق گشوده شد..." (۱۱)

نکته درخور توجه، نامها و عناوینی است که مشروطه خواهان بر سرانبوه شبنامه های خود قرار می دادند که خود، گویای مطالب و مباحث بسیاری است: فریاد وطن، احقاق الحق، جام جم، اعلان بی غیرتی، صبحنامه و ... دهها شبنامه دیگر که طی این مدت کوتاه، پیام تحرک و تحول و زندگی را به ارمغان می آورد. (۱۲)

گوئل کهن گفته است:

"طی دو ماهی که میان اعلام نظام مشروطه و گشایش نخستین دوره مجلس شورای ملی فاصله افتاد، مطبوعات و بازرسی جراید، همچنان وضعیت دوران استبداد را داشت؛ تنها تغییر چشمگیری که در فضای انتشاراتی پدید آمده بود، چاپ و پخش مخفیانه شبنامه هایی بود که از در و دیوار می ریخت که این خود دنباله جنبشی بود که از اواسط دوران استبداد ناصری آغاز شده و در طول چندین ماه جنگ و گریز مبارزان انقلاب مشروطه جهت بیداری مردم به اوج رسیده بود. مرتب ترین و معروف ترین این شبنامه ها، نشریه ای بود که از کمی پیش از صدور فرمان مشروطه به همت "سید محمد رضا شیرازی"، مدیر روزنامه مترقی و مبارز "ساوات" منتشر می شد. (۱۳)

باسقوط محمد علی شاه و جانشین شدن احمد شاه، موقعیت مناسبی پدیدار شد تا روزنامه نگاران مهاجر به کشور باز گردند. کودتای ۱۲۹۹ و روی کار آمدن سید ضیا، همراه شد با توقیف مطبوعات. نکته مهم این دوران، انتشار شبنامه ها به دست قراچا بود که بیش تر مطالب این شبنامه ها درست در روز روشن و آزادانه در بین مردم توزیع می شد و مضامین آن علیه احمد شاه بود. (۱۴)

انواع شبنامه

اعلان - نامی است که نویسندگان پاره ای از پیامهای پنهان نوشته "راویان

آن پیامها به "شبنامه" داده‌اند. ابتدا هر گونه نامه مخفیانه را که به آگاهی همگان می‌رسید، "اعلان" می‌نامیدند و یکی از آنها - که در آخرین روزهای پادشاهی ناصرالدین شاه نشر یافت - "اعلان ملتی" نام داشت.

اعلامیه - بر هیچ یک از شبنامه‌های این دوره "اعلامیه" اطلاق نشده است، ولی اکثر آنها دارای ویژگیهای اعلامیه هستند؛ بعضی از این اعلامیه‌ها به امضای گروه‌های سیاسی یا طبقه‌ای از مردم، ولی اغلب بدون امضا یا دارای امضای مستعار بودند و تنها از محتوای آنها می‌توان دریافت که به چه گروه یا طبقه‌ای تعلق دارد.

نامه سرگشاده - دسته‌ای از "شبنامه‌ها، نامه‌های سرگشاده‌ای هستند که خطاب به فرد یا افراد مخالف، گروه یا صنف یا تمامی مردم نوشته شده‌اند. نمونه کامل شبنامه‌ای که کیفیت نامه سرگشاده دارد، "لایحه انجمن مخفی" است که در صدارت عین الدوله، خطاب به او نوشته‌اند و در آن، نارساییها و نابسامانیها یاد شده است.

مقاله - شماری از شبنامه‌ها ویژگی مقاله‌های متداول آن روزگار را دارد، از آن جمله "جواب شبنامه تحقیق" که در پاسخ اعلامیه‌ای کوتاه نوشته شده است. گاهی مقاله‌ای را به مرور چاپ می‌کردند و می‌پراکندند که از آن جمله است: "مجلس ملیه اسلامی" که در جمادی الآخر ۱۳۲۴/مرداد ۱۲۸۵ تکثیر می‌شد. **پرسش و پاسخ** - دو "شبنامه" از شبنامه‌هایی که ناظم الاسلام نقل کرده است، "سؤال و جواب میرزا حسین خان با میرزا احمد خان" نام دارد. این دو شخصیت فرضی، آزادیخواه‌اند و با یکدیگر درباره مسائل روز سخن می‌گویند. هر دو "شبنامه" در سال ۱۳۲۴ ق. به هنگام صدارت عین الدوله انتشار یافته است. **خبر، خبرنامه و روزنامه مخفی** - عنصر خیر در بسیاری از نوشته‌هایی که آنها را شبنامه معرفی می‌کنند دیده می‌شود برخی از شبنامه‌ها، به خبر پشت پرده اختصاص یافته‌اند از جمله: شبنامه‌ای بی‌نام شامل "مضمون لایحه‌ای که دولتین انگلیس و روس در باب مشروطیت ایران رسماً پیشنهاد به اقدس همایونی نموده‌اند و برخی از فتواها و اعلانات و تلگرافهای مجتهدان را نیز که پنهانی تکثیر می‌کردند، شبنامه نوشته‌اند.

تهیه و توزیع شبنامه‌ها

در دوره انقلاب مشروطیت و پیش از آن، آنچه تحت عنوان شبنامه یا خفیه نویسی منتشر می‌شده، چاپ ژلاتینی و در اواخر در برخی موارد چاپ استنسیل بوده است. بسیاری از اعلامیه‌ها، نامه‌های سرگشاده و روزنامه‌های مخفی را، از نیمه پادشاهی ناصرالدین شاه به بعد و بویژه در دوره مبارزه با خودکامگی محمدعلی شاه، با چاپ ژلاتینی منتشر می‌ساختند. پس از آن نیز تا نزدیکهای جنگ دوم جهانی، برخی از گروه‌های سیاسی مخفی و فرقه‌های مذهبی برای تکثیر نهایی آثار خود، از این روش بهره بردند، اما به مرور استنسیل جای آن را گرفت. (۱۵)

با وجود آنکه کاربرد ژلاتین در کارهای چاپی شناخته شده است، اصطلاح "چاپ ژلاتینی" در زبانهای اروپایی دیده نمی‌شود؛ از این رو، ادوارد براون نیز در معرفی شبنامه‌ها و روزنامه‌های مخفی ایران، بناچار همان اصطلاح رایج فارسی را در متن انگلیسی کتاب خود به کار برده است. برای این نوع چاپ به ورقه‌های ژلاتین، گلیسرین و بی‌کرومات دو پتاس نیاز بوده است. اینها را بی‌آنکه بدگمانی کارگزاران حکومت برانگیخته شود، از داروخانه‌ها می‌خریده‌اند. (۱۶) اکثر شبنامه‌ها به رنگ آبی منتشر شده‌اند. (۱۷)

محل چاپ این اوراق مشخص نیست؛ حتی اگر در مطبعه‌های شناخته شده منتشر می‌شدند، حتماً بسیار مخفیانه بود. در هر حال فنون آن همیشه با حروف سربی نبود و چنانچه اشاره شده، به ژلاتین تکثیر می‌شدند. (۱۸)

شبنامه‌ها، دستنویس و یا یکی از سه نوع چاپ ژلاتینی، سنگی و حروفی بودند. چاپ ژلاتینی، به سبب آسانی فراهم آوردن وسایل و انجام آن، رواج بیش‌تر داشت و از همین رو شبنامه اوراق ژلاتینی و گاه به تنهایی "ژلاتین" می‌نامیدند. پس از آن، چاپ سنگی بود و این نوع بیش‌تر از استبداد خواهان دیده شده است.

اکثر دستنویس‌ها و ژلاتینها را با خط نسخ می‌نوشتند تا نویسنده شناسایی نشود. (۱۹)

شبنامه‌ها، به طور معمول روی یک صفحه به قطعی که از ۹۱۵x۵۰ تا ۳۴x۲۲ (اکثر ۲۶x۱۸) متغیر بود، چاپ شده‌اند. برخی از آنها مصوراست و برخی از شبنامه‌ها دارای خط حاشیه بود. زیباترین آنها لویح شیخ فضل‌الله است. پاره‌ای از آنها سرلوحه نیز دارد مثل "صبح‌نامه دعوی الاسلام" که هواداران شیخ فضل‌الله نوری چاپ می‌کردند.

توزیع شبنامه‌ها مهم‌ترین مرحله بود. آنها را به درها و دیوارهای گذرگاههای مهم، مکانهای مذهبی و دیوانی می‌چسباندند یا دست به دست می‌گشت و یا از طریق پست توزیع می‌شد و یا در محفلهای خانوادگی، انجمنها، میهمانیها و قهوه‌خانه‌ها با صدای بلند خوانده می‌شد. (۲۰)

یکی از افرادی که شبنامه و اعلامیه می‌نوشت و پخش می‌کرد، میرزا حسن رشیدی، بنیانگذار مدارس نوین بود. (۲۱) بسیاری از اعلامیه‌ها، راروزنامه نگاران می‌نوشتند. در یکی از اعلامیه‌ها از آنها تجلیل بسیار شده بود با این مضمون که: "آریاب جراید منتشره که همه سفرای غیبه‌اند و از برای بیداری و هتک پرده جهالت شما مردم به زبان مختلفه با شما سخنها گفته‌اند، خیر و بقای شما را فرضیه ذمه‌همت و غیرت خود قرار داده‌اند و در این مدت به آواز بلند وظیفه وطنیت خود را ادا نموده‌اند و نام نیک بر چهره درخشنده صفحه تاریخ گذرانند و" (۲۲) نخستین گروه سازمان یافته که در ایران عهد ناصری به انتشار اعلان، جزوه و نشریه مخفی مبادرت کردند، پیروان سید علی محمد باب بودند. پس از آن نیز "آجرای فراموشخانه"، گروه سازمانده‌ای شده‌ای بودند که پیامهایی بین خود رد و بدل می‌کردند. خار جیان نیز گویا در ایران مبادرت به اعلامیه پراکنی و شبنامه نگاری کرده‌اند که از آن جمله است:

"از قراری که به اطلاع اولیای دولت می‌رسد و اخبار روزنامه‌جات داخله و خارجه خبر می‌دهد، بعضی از کسان انگلیس در کارند که کاغذهای مفسده آمیز به کسان این دولت علیه بیاورند و آنها را در خفیه اغوا و تحریک به افساد در داخله این دولت نمایند، اگرچه مردم ایران چنان بی‌غیرت و بی‌حمیت نیستند که به آن کاغذ پراکنی کسان انگلیس دست از تعصب دین و دولت خود بردارند.

دسته دیگر متشکل از باسوادان و فرنگ دیده‌های آن عهد بودند که عمدتاً از تشکیلات حاکم نارضایتی داشتند و نارضایتی را به وسیله شبنامه و اعلامیه به آگاهی عموم می‌رسانند. (۲۳)

از مشهورترین اعلامیه‌های مخفی که در این زمان انتشار یافت و سازمان سانسور ناصری را برای کشف و مجازات نویسنده آن به فعالیت بیش‌تر واداشت، نوشته کوبنده، میرزا رضا کرمانی انقلابی معروف بود که در اوج جنبش تباکو



میرزا رضا کرمانی

در تهران پخش شد. اما تا هنگام بازپرسی میرزا رضا پیرامون ترور ناصرالدین شاه، ناشر این شبنامه پر محتوا را نتوانستند شناسایی کنند تا اینکه وی در ضمن محاکمه خود از انجام چنین کاری با شجاعت یاد کرد. (۲۴)

گرچه برخی از یز و هندگان و مورخان ادامه نشر شبنامه ها را پس از صدور فرمان مشروطه ناجبا و نامناسب دانسته اند، اما منطقی است بپذیریم بیدارشدگان و نویسندگان با وجود وزارت انطباعات و سانسور، نمی توانستند عقاید و اندیشه های خود را آزاد منتشر سازند بلکه می بایست همچنان به شبنامه ها و اعلاناتی مخفی توسل می جستند. از سوی دیگر همین علاقه مندی و کوشش در نگارش شبنامه ها، باعث بر خورد اندیشه ها و گسترش مبارزات و پرورش روحیه مطالبه ای و پویندگی می شد. اگر چه در گیر و دار مبارزات اولیه برای احراز مشروطه اغلب شبنامه نویسان از جمله اندیشمندان و روشنفکران بودند که در این هنگام بیشترین این نوشته ها از سوی افراد عادی بیرون می آمد. به طور کلی می توان سه گروه با سه طرز فکر در آن دوران مشاهده کرد: نخست دسته کوچکی که دارای بینش مترقیانه و روشنفکرانه بودند؛ دوم پیروان مطلقیت قانون و مخالفان دموکراسی غربی و برپایی قوانین اجتماعی؛ و بالاخره گروه سوم، انبوه مردم که بر ضد ظلم و تعدی شوریده بودند و اطلاع درستی از

مشروطیت نداشتند و فقط دنبال مشروطه خواهان عدالتخواه به راه افتادند. بدین ترتیب دو خط ارتباطی و تبلیغاتی پدید آمد. مطبوعات و منابر که تنها مجراها و ابزار ارتباط توده ای بود وابسته به یکی از دو جناح و در این میان شبنامه ها نیز به اکثریت ترقیخواه و مشروطه طلب یا اقلیت مستبد و مرتجع گرایش یافته و منتشر می شد. (۲۵)

نخستین شبنامه پس از صدور فرمان مشروطیت و پایان بست نشینی آزادخواهان در چند شماره منتشر شد و به تشریح حدود و وظایف و اختیارات پارلمان ملی به زبان ساده پرداخت که خود، بیانگر شناخت و هوشیاری شبنامه نویس در آن مرحله از رشد جنبش بود. در عین حال شبنامه هایی از سوی سوسیال دموکراتهای ایرانی مقیم قفقاز وابسته به حزب همت قفقاز در تهران و تبریز و برخی از شهرهای تهران منتشر می شد.

با انحلال وزارت انطباعات و انتشار آزاد مطبوعات، مشروطه خواهان حرفه ای خود را از طریق روزنامه های نوپیدا آزاد به گوش مردم می رساندند و شبنامه ها بیش تر مورد استفاده مخالفان مشروطه و وابستگان استبداد و ارتجاع قرار گرفت.

استبداد - که موقتاً عقب نشینی کرده بود - به روشهای گوناگون در مقابل مجلس سنگ اندازی کرد. روزنامه مخفی صبحنامه زیر عنوان "حسرت و افسوس" مطلب تازه ای مطرح ساخت که نشر آزاد آن در چنان شرایطی امکانپذیر نبود. این نشریه، با قلمی جسورانه و استدلالی استوار به بیان دردهای ملت می پرداخت و از دولتیان و کارشکنی های درباریان و ضعفهای انقلابیون سخن می راند. (۲۶)

کودتای قزاقان لیاخوف و به توپ بستن مجلس شورای ملی به دستور محمد علی شاه و دستگیری گروهی از روزنامه نگاران و آزاداندیشان و واقعه باغشاه، شرایط تازه ای در عرصه فعالیت شبنامه نویسی به وجود آورد. نامه ملت از جمله نخستین و معروف ترین شبنامه های پس از کودتا بود که به همت کوشندگان آن سازمان تهیه می شد و به افشای مستبدان می پرداخت. همراه با گسترش جنبش ملی در گیلان، آذربایجان و اصفهان، شبنامه ها نیز همگام با مبارزات آزادخواهان در این مناطق خروش بیش تری از خود نشان داد. و مردم شهرها را به خیزش و کوشش و مخالفت با محمدعلیشاه بر می انگیزت. جالب ترین این شبنامه ها، شبنامه ای است با عنوان "اعلان زنان تبریز به مردان شیراز" جهت ایجاد مبارزه در بین مردم شیراز در برابر ظلم حکومت استبدادی و نکوهش از برچیده شدن مشروطه (۲۷).

مهم ترین نکته ای که در اکثر اعلامیه ها جلب توجه می کند، موضوع اسلام است و نقشی که انقلابیون برای علما در نظر گرفته اند. نقش علما از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چون با حمایت و هدایت علما بود که مردم بسیج شدند و به حرکت درآمدند تا بالاخره دولت و شاه تقاضای مشروطه خواهان را بپذیرفتند. ولی باید خاطر نشان کرد، وقتی صحبت از علما می کنیم، باید در نظر بگیریم که از یک طبقه منسجم و متحد صحبت نمی کنیم. بین علمای طراز اول و سایر روحانیون نه تنها امکانات اجتماعی و مالی و سطح تحصیلات متفاوت بود که از لحاظ تفکر و نحوه فعالیت و اهداف، اختلافات بسیاری وجود داشت. نویسندگان شبنامه ها و اعلامیه، بارها از وطن اسلامی، مملکت اسلامی، یا وطن مقدس یاد کرده و نوشته اند که وطن مریض است و احتیاج به مداوا دارد.

در اکثر شبنامه ها، سخت ترین و بدترین انتقادات و حملات و فحاشی ها

علیه رجال نوشته می شد. از بین بردن آبروی رجال و شاه و دولت، یکی از سنن سیاسی ایران شد. انتقادها کم کم دامن علما را نیز گرفت و از حملات سخن ایمن نماندند. این حملات به منظور تضعیف نفوذ علما و برکناری آنها از کارهای دولتی بود. ولی در این راستا موفقیتی کسب نکردند و طبقه حاکمه، کماکان بر سر قدرت و پست و مقام باقی ماند و علما نیز حیثیت و نفوذ خود را از دست ندادند. هدف انقلابیون - که شاید علاوه بر انقلاب سیاسی، راه انداختن یک انقلاب اجتماعی بود - به انجام رسید. ولی اظهار این نوع افترا و تهمت را در نهایت سوء ظن تشدید کرد و یکی از علل به هم خوردن رابطه بین مجلس و دولت شد. (۲۸)

پی نوشتها :

- ۱- معزی، فاطمه، شبنامه ها و اعلامیه های مشروطیت تاریخ معاصر ایران، س ۳ ش ۱۰، تابستان ۷۸، ص ۲۷۵.
- ۲- این دو گروه اجتماعیون عامیون و گروه بایی ازلی ها بودند. اهداف هر دو گروه از جهانی که توضیح داده خواهد شد، همسو بود و به همین دلیل می توانستند همکاری کنند. نام بعضی از اعضای گروه بایی ازلی ها - که از اواخر دوره ناصری به فعالیت سیاسی اشتغال داشتند - از این قرار بود: میرزا رضا کرمانی، میرزا آقاخان کرمانی، شیخ احمد روحی، حاج سیاح، ملکا المتکلمین، سید جمال واعظ، مجدالاسلام کرمانی، یحیی دولت آبادی و میرزا جهانگیر خان. موضع آنها بسیار انقلابی و تند بود. اینها دشمنان محمد علی شاه، درباریان و مجتهدان طراز اول و بخصوص قدرت مذهبی آنان بودند. هدفشان خلع محمد علی شاه و برقراری حکومت مشروطه و سکولار و شاید جمهوری بود. خالب توجه است که هر چند ناظم الاسلام - که با عده ای از آنها آشنایی و همکاری داشت - نوشته است که در ایران رسم است هر گاه بخواهند کسی را مغلوب و از میدان بیرون کنند نسبت او را به بایه می دهند. گروه دیگر اجتماعیون عامیون بودند. در واقع اجتماعیون عامیون، یک حزب سیاسی بود که از سویالیسم اروپایی و کمونیسم یا بلشویسم روسی الهام می گرفت؛ ولی باید توضیح داد که این تفکر هنوز در ایران در مرحله ابتدایی بود و توسط عده ای اندک که پیش تر از طریق باکو و حزب همت با این آیدئولوژی آشنایی داشتند، منتقل می شد. بعضی از بیروان آن، شاید همه ابعاد تفکر سویالیستی را نمی دانستند یا نمی فهمیدند، نام تعدادی از اعضا از این قرار بود: حیدر خان عموغلی، تقی زاده، علی مسیو، مسوات، سلیمان خان میکده، ابو الفصیاء میرزا ابراهیم آقا. خواسته های این دو گروه بایی ازلی و اجتماعیون، از بسیاری جهات مشابه بود. روزنامه صور اسرائیل نمونه افکار و اهداف آنها بود؛ به طوری که می توانیم آن را به منزله ازگان این دو گروه در نظر بگیریم. اهداف تندروان انقلابی به مرور شکل گرفت و هر چه فعالیت آنها بیش تر شد، تجربه آنها نیز بیش تر گشت. در اکثر اعلامیه ها، سخنرانی ها و مقالات بر جنبه های اسلامی حرکت تأکید می شد و همه اهداف در راستای دین و در راه کمک به خلق معرفی می شد. (روزنامه شرق، ش ۲۷۴، ۴ شهریور ۱۳۸۳)

- ۳- اتحادیه، منصوره، تاریخ نانوشته بررسی اعلامیه ها و شبنامه های انقلاب مشروطه ا روزنامه شرق، ۴ شهریور ۱۳۸۳، شماره ۲۷۴.
- ۴- قاسمی، فرید، سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمد علی شاه و ناصرالدین شاه - (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۸.
- ۵- صدر هاشمی، محمد، تاریخ جراید و مجلات ایران - اصفهان: کمال، ۱۳۶۳، ص ۵۸، ج ۲.
- ۶- کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران - تهران: آگاه، ۱۳۶۰، ص ۱۴۱، ج ۱.
- ۷- قاسمی، فرید، سرگذشت مطبوعات ایران روزگار محمد شاه و ناصرالدین شاه - تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۵۸.
- ۸- قاسمی، فرید، سرگذشت مطبوعات ایران، ص ۴۵۹.
- ۹- معزی، فاطمه، شبنامه ها و اعلامیه های مشروطیت، تاریخ معاصر ایران، س ۳ ش ۱۰، تابستان ۷۸.
- ۱۰- ملکزاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت - تهران: علمی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۶، ج ۱.
- ۱۱- قاسمی، فرید، راهنمای مطبوعات ایران، عصر قاجار، ۱۲۵۳، ص ۱۳۰۴-۱۳۱۵، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها)، ۱۳۷۲، صص ۳۱ و ۳۲.
- ۱۲- همان منبع، ص ۳۳.
- ۱۳- کهن، گوئل، تاریخ سانسور در مطبوعات ایران - تهران: آگاه، ۱۳۶۰، ص ۱۴۱، ج ۱.
- ۱۴- قاسمی، فرید، راهنمای مطبوعات عصر قاجار، ص ۴۵.
- ۱۵- پروین، ناصرالدین، ص ۳۷۹، ج ۲.
- ۱۶- پروین، ناصرالدین، تاریخ روزنامه نگاری ایرانیان و دیگر یارسی نویسان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۳.
- ۱۷- نوروز مرادی، کوروش، نشریات ادواری و شبنامه ها، مقدمه ای بر نشریات ادواری شبنامه های کتابخانه مجلس ایام بهارستان، ش ۳، ص ۳.
- ۱۸- اتحادیه، منصوره، تاریخ نانوشته بررسی اعلامیه ها و شبنامه های انقلاب مشروطه، روزنامه شرق، سوم شهریور ۱۳۸۳، شماره ۲۷۴.
- ۱۹- پروین ناصرالدین، ص ۳۸۲، ج ۲.
- ۲۰- پروین ناصرالدین، ص ۳۸۲-۳۸۳، ج ۲.
- ۲۱- صدر هاشمی نوشته است: وی که خدمت فرهنگی را ضمیمه خدمت سیاسی کرد و به تبلیغ افکار آزادی پرداخت و بی باکانه اطراف قصر سلطنتی نیز شبنامه پخش می کرد و به مبارزه با عین الدوله پرداخت تا حدی که بالاخره همراه با مجدالاسلام به مدت ۹ ماه تبعید شد. حتی دوبار اعلامیه روی میز شاه گذارده بودند. روزنامه شرق تاریخ نانوشته بررسی اعلامیه ها و شبنامه های انقلاب مشروطه، منصوره اتحادیه، شماره ۲۷۳، شهریور ۸۳.
- ۲۲- همان منبع، شماره ۲۷۲.
- ۲۳- قاسمی، فرید، سرگذشت مطبوعات ایران، صص ۲۵۹ و ۲۶۰.
- ۲۴- همان منبع، قاسمی، فرید، ص ۴۶۴.
- ۲۵- کهن، گوئل، تاریخ سانسور مطبوعات، ج ۲، ص ۴۴.
- ۲۶- کهن، گوئل، تاریخ سانسور مطبوعات، صص ۸۸-۸۹، ج ۲.
- ۲۷- کهن، گوئل، تاریخ سانسور مطبوعات، صص ۲۳۹-۲۴۰، ج ۲.
- ۲۸- روزنامه شرق، شهریور ۱۳۸۳، شماره ۲۷۴.

۱۲۱

تجدید نظر

در خصوص نظر کثرت دشمن و دشمنی استبداد بر من استیر خود لاکه بزین نظر من اورد
 بجز استعجاب ۴ زور راه و جفايتها را به خود لا تجریده نموده است... بر طایفه
 جمع باقی بماند بر این عواقب افزوده باز هم تبعیان مع لاقدم صفت کرده است تبع
 عباد کشته رسیدن با تحریک سینه آقا علی زآقاها افتش شهادت این را با دلجو محمد ترکیه سید علم
 گزینند ۱۰۰۰ در روز ادران مار لاکه در کلام خدا باه شریک هستند

۵۱ - =
 ۲۰۴

کاتب خطبانه از سید العلماء در تحریک نظامیان بر ضد انگلیس به عنوان عامل بدیختی و داعی و موجد مسائل
 سعیدقلو و شیخ محمود
 (شماره سند ۲۹۶۰۰۵۷۶۷ سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)